

تبیین عوامل مؤثر در ارتقاء حس سرزندگی شهروندان در بناهای فرهنگی (بررسی موردی: شهر رشت)*

مریم خوش اندام: دانشجوی کارشناسی ارشد گروه معماری واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
maryam.ka22@gmail.com
سیده مامک صلواتیان: عضو هیات علمی گروه معماری واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
salavatian@iaurasht.ac.ir

چکیده

کیفیت محیط یکی از عوامل مؤثر بر دلبستگی انسان به محیط است. محیط‌های بی‌کیفیت، خالی از جمعیت گشته و به تبع آن، سرزندگی در آن کاهش می‌یابد. بنابراین سرزندگی و نشاط یکی از معیارهای اصلی مکان‌هایی است که از کیفیت بالای برنامه‌ریزی و طراحی برخوردارند. امروزه توجه صرف به جنبه کمی طراحی سبب کاهش کیفیت اغلب فضاهای فرهنگی و در نتیجه کاهش سرزندگی شده است. روش انجام این مقاله کمی و کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و بدین منظور از منابع کتابخانه‌ای اعم از مقالات و کتاب‌های تخصصی معتبر بهره گرفته شد تا نتایج پژوهش‌های متنوع سایر محققین در حوزه رشد سرزندگی در کالبد فضا مورد مطالعه قرار گیرد. از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای مؤلفه‌های مؤثر پژوهش استخراج شده و به صورت چهارچوب نظری تدوین گردید. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان شهر رشت و نمونه مورد تحقیق ۳۸۴ نفر می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات میدانی، پرسشنامه پاسخ بسته می‌باشد که پس از بررسی روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. نهایتاً پاسخ‌های پرسشنامه با نرم‌افزار «اس‌پی‌اس‌اس» مورد بررسی قرار گرفت. از آزمون تی تک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیات و از آزمون الویت‌بندی فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرها استفاده گردید. مطابق یافته‌ها، تعامل بنا با طبیعت، ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر و سازماندهی شده می‌تواند موجب ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی گردد. همچنین سازماندهی فضایی، اجتماع‌پذیری فضا و تعامل بنا با طبیعت به ترتیب مهمترین عوامل در آزمون فریدمن شناخته شدند. بر اساس مؤلفه‌های مؤثر شناسایی شده در ارتقاء سرزندگی در فضای فرهنگی، راهکارهای طراحی متناظر با آن پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: حس سرزندگی، فضای فرهنگی، کیفیت محیطی، مؤلفه‌های طراحی.

*. مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی باغ کتاب رشت با رویکرد ارتقاء حس سرزندگی» استخراج شده است.

مقدمه

امروزه با تغییر در الگوی زندگی و ترویج استفاده از وسایل الکترونیکی، رفته رفته حضور پررنگ مردم در فضاهای عمومی، و در نتیجه آن پویایی و سرزندگی فضاهای شهری تنزل یافته است. تداوم این امر سبب کاهش روابط اجتماعی میان افراد می‌شود؛ درحالی‌که انسان عصر تکنولوژی همچنان در جستجوی تعامل با سایر هم‌نوعان خود است. ایجاد فضاهای شهری جهت تأمین نشاط و سرزندگی همواره از اهداف مهم برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است. انتظار می‌رود شهری که زمینه سکونت افراد است، فضاهای عمومی جهت برقراری تعاملات اجتماعی و ایجاد سرزندگی را میان شهروندان ایجاد نماید. خلق محیطی سرزنده جهت تبادل نظر و گفت‌وگو در عین تأمین آرامش می‌تواند افراد را به حضور در چنین فضاهایی ترغیب کند. به طوری که می‌تواند با جذب شهروندان و هدایت آنها، نه از روی اجبار بلکه به اختیار به بالا بردن سطح تعاملات اجتماعی افراد بپردازد و در جهت ارتقاء حس سرزندگی افراد گامی مؤثر بردارد. واژه نشاط و سرزندگی در زبان فارسی هر دو به یک معنا به کار می‌روند (گلکار، ۱۳۸۶، صص ۳۹-۳۴). فرهنگ فارسی عمید، نشاط را «شادمانی کردن، سبکی و چالاکي، شادی، خوشی و خوشحالی تعریف می‌کند» (عمید، ۱۳۶۱، ص. ۱۰۸۵). برای مفهوم سرزندگی، برابری واژه‌های گوناگونی در غرب وجود دارد، اما در ادبیات تخصصی طراحی شهری تنها واژه سرزندگی که معادل «Livability / Vitality» در زبان انگلیسی است، استفاده می‌شود. در لغت‌نامه شهرسازی رابرت کوان (کوان، ۲۰۰۵، ص. ۴۴۲).

وظیفه یک فضای عمومی، عمدتاً فراهم نمودن زمینه‌ای برای فعالیت‌ها و مشارکت‌های جمعی میان افراد است. مراکز فرهنگی نیز به عنوان یک فضای عمومی از این امر مستثنا نیستند. بناهایی مانند فرهنگسرا، به عنوان ابزار مهمی برای شهرها تأسیس می‌شوند (شربتیان، ۱۳۹۰). همچنین فرهنگسرا با عملکرد خود از طریق آموزش، شناخت و نمایش، نقش مؤثری در احیا و پایداری فرهنگ جامعه دارد. فرهنگسرا و محیط‌های فرهنگی موجب تبادل ایده‌ها و نظرات، افزایش غرور، تقویت حس همبستگی و بالا رفتن سطح شناخت درباره هویت فرهنگ بومی آن ناحیه می‌شود (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱، ص. ۷۶). بناهای فرهنگی و فضاهای آن بستری برای وقوع انواع فعالیت‌های فردی و گروهی و اجتماع افراد از گروه‌های سنی مختلف هستند که در توسعه فرهنگ در جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند. به علاوه فضاهای فرهنگی بنا به ماهیتشان بستری برای وقوع برنامه‌ها و عملکردهای غیر رسمی بوده و نظام فعالیتی متفاوتی نسبت به دیگر فضاهای عمومی شهر داراست و نیز برخلاف میادین، پیاده‌راه‌ها و عرصه‌های باز شهری، بخش وسیعی از آن در فضاهای سرپوشیده و داخلی ساختمان سازماندهی شده است. از این رو پژوهش حاضر به طور خاص بر مطالعه بناهای فرهنگی متمرکز است که در پژوهش‌های پیشین در خصوص مفاهیم سرزندگی محیطی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. هدف از انجام این پژوهش شناسایی و تبیین عوامل مؤثر در بهبود حس سرزندگی در بناهای فرهنگی می‌باشد. در این راستا تأکید بر تأثیرگذاری و اهمیت طراحی و کیفیت فضا، شناسایی پتانسیل‌های بناهای فرهنگی و تبیین شاخص‌های تأثیرگذار در این زمینه می‌باشد که بتوان با بهبود این عوامل باعث غنی‌تر شدن زندگی اجتماعی و فرهنگی شده و در افزایش حس سرزندگی مؤثر واقع شد.

سرزندگی شهری

سرزندگی محیط شهری کیفیتی است که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان است و این ارتباط دائمی در قالب انباشت تجربیات شهری جزئی از فرآیند تشکیل مکان و ایجاد حس تعلق به محیط‌های شهری است (سیمه، ۱۹۹۵). می‌توان اظهار داشت که سرزندگی پدیداری اجتماعی- فضایی است که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد. این کیفیت محصولی نیست که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد، بلکه سرزندگی را باید فرآیندی از آفرینش مستمر محسوب کنیم که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدابیری از سنخ برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی هستیم (گلکار، ۱۳۸۶، ص. ۷۳). پرداختن به مفهوم سرزندگی و حیات خیابان، از اواخر دهه ۶۰ به بعد در برنامه‌ریزی فیزیکی مورد توجه قرار گرفته‌اند (امین زاده و داعی نژاد ۱۳۸۱، ص. ۵۲). در سال ۱۹۸۷ «آلن جیکوبز» و «داندل اپلیارد» بیانیه‌ای با عنوان «به سوی یک مانیفست طراحی شهری» منتشر کردند، که بر اساس آن سرزندگی را امکان زندگی راحت در یک شهر تعریف نموده‌اند. از دیدگاه «ال بر» سرزندگی به این مفهوم است که شکل شهر از عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی و توانایی‌های انسان حمایت کرده و بقای همه موجودات زنده را تضمین می‌کند (ال بر، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۲).

چارلز لاندری سرزندگی و زیست‌پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده شامل سرزندگی اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او نه معیار مؤثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر می‌شمارد که شامل تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی، هویت و تمایز، خلاقیت و تشریح مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت است (لاندری، ۲۰۰۰). در دیدگاه «اکولیز» شهر سرزنده، شهری است که متعلق به تمام گروه‌های اجتماعی موجود در شهر می‌باشد (اکولیز، ۲۰۱۲، ص. ۱۱۱). سالزانو (۱۹۹۷) نیز با انتشار «هفت هدف برای نیل به شهر سرزنده»، سرزندگی را عبارت از «هویت داشتن، وجود زندگی اجتماعی در شهر، خوشبختی و پیشرفت اجتماع و اشخاص و پایداری اکولوژیکی» می‌داند. از طرفی دیگر، سرزندگی به سیستم شهری نسبت داده می‌شود که به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و پیشرفت شخصی ساکنین کمک می‌کند و درباره فضاهای شهر مطلوبی است که غنای روحانی و فرهنگی را ایجاد کرده و بازتاب می‌دهد. محیط‌های شهری سرزنده، زمینه ساز تعاملات اجتماعی بین افراد متفاوت و خلق و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردند. (تیمر و سیمور، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). جین جیکوبز (۱۹۶۱) در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» سرزندگی خیابان را تراکم حضور مردم، امکان برقراری برخوردها،

^۱ Cowan
^۲ Sime
^۳ Jacobs
^۴ Appleyard
^۵ Landry
^۶ Okulicz
^۷ Salzano
^۸ Timmer & seymour

تعاملات مفید بین افراد و تماشا کردن دیگران می‌داند. به اعتقاد وی تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت. با وجود کاربری‌های مختلف، قطعاً تنوع فعالیتی نیز بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد. (جیکوبز، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۰). برای برخی گروه‌های اجتماعی، یک شهر سرزنده شهری است که در آن اجزایی که همیشه بخشی از فضاهای دو ست‌دار مردم بوده‌اند، همواره حفظ و نو سازی می‌شوند؛ که آن اجزا رابطه بین خیابان‌ها و ساختمان‌ها، بین ساختمان‌ها با یکدیگر، بین درختان و فصول سال، تزئینات، رابطه بین رویدادها و مردم می‌باشد (پالز، ۲۰۰۰). به گفته «هال وگ» شهر سرزنده شهری است که می‌توانیم در آن زندگی سالمی داشته باشیم. مکانی جذاب، کارآمد و امن برای گروه‌های سنی مختلف که امکان بازی، ملاقات، گفتگو، حرکت آسان و دسترسی به فضای سبز در آن امکان‌پذیر باشد (هال وگ، ۱۹۹۷).

سرزندگی و پویایی فضای شهری و در مقابل، ملال‌انگیزی آن بازتاب شمار و به خصوص نوع فعالیت‌ها و رویدادهایی است که در فضا صورت می‌پذیرد، همچنین انسان‌ها و حضور پر شور و نشاط آن‌ها به یک فضا زندگی می‌بخشد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص. ۴۱). سرزندگی شهر بازتاب شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است (خستو و رضوانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۶). از طرفی دیگر، به گفته «پاکزاد»، یک فضای شهری سرزنده عبارت است از یک فضای شهری که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد، به چشم می‌خورد (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). بنابراین سرزندگی شهری، تنها آینه‌ای از سطح شلوغی و کمیت حضور مردم در فضاهای شهری نیست بلکه کیفیتی است وابسته به مکان منظر، جایی که مخاطب از تمام اقشار جامعه جهت انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی افزون بر فعالیت‌های اجباری حضور یابد (مهربانی، منصور، و جوادی، ۱۳۹۶، ص. ۷).

رویکرد لینچ در زمینه سرزندگی عمدتاً موضوع زیست‌پذیری فضا با تامین امکانات حیاتی را مد نظر قرار می‌دهد؛ اما در رویکردهای نوین آفرینش کیفیت سرزندگی در شهر، نقش مشارکت شهروندان نقشی جوهری است و تعمیق تجربه حسی شهروندان از محیط‌های شهری و امکان مداخله و مشخص کردن فضاها، که از آن به ایجاد «رنگ تعلق» نام برده می‌شود از گام‌های اساسی در این مورد است (گلکار، ۱۳۸۶، صص ۶۶-۷۵). فرازمند و صحنی‌زاده (۱۳۹۲) که به بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرزندگی از دیدگاه تعاملات اجتماعی در ارزیابی عملکرد فضاهای عمومی شهری پرداخته‌اند، حضور افراد در فضاهای شهری به منظور انجام فعالیت‌های اجتماعی انتخابی آنان و ایجاد تعاملات اجتماعی را اساسی‌ترین رکن در سرزندگی اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های اصلی پایداری اجتماعی نیز می‌دانند. لنارد نیز اذعان می‌دارد که برای دستیابی به سرزندگی در محیط شهر باید مکان‌هایی برای ایجاد تجربه‌های دو ست‌داری شتبی فراهم آورد (لنارد، ۱۳۸۴، ص. ۹۹). لوپز و کامانو (۲۰۱۲) در پژوهشی به ارزیابی تأثیر فضای سبز بر سرزندگی شهری و نتایج آن اشاره می‌دارد. وی در این تحقیق شهرهای اروپایی را ملاک قرار داده و نشان می‌دهد فضای سبز در ارتقاء سرزندگی شهری و کیفیت زندگی مؤثر بوده و همچنین کاربرد این مدل را در ارزیابی سرزندگی شهری مناسب قلمداد نموده که برای مطالعات دیگر می‌تواند روش مناسبی باشد (لوپز و کامانو، ۲۰۱۲). در جدول ۱ عوامل تقویت کننده و تهدید کننده در میزان سرزندگی شهروندان در فضای شهری ارائه شده است.

جدول ۱: عوامل مؤثر در میزان سرزندگی شهروندان در فضای شهری؛

عوامل تقویت کننده	عوامل تهدید کننده
تراکم افراد	ازدحام
وجود فضاهای توقف و مکث	وجود فضاهای صرفاً حرکتی و بدون توقف
حضور عناصر طبیعی و چشم‌انداز	بی‌نظمی در سازماندهی و طراحی عناصر طبیعی
وجود عناصر خاص بصری	عدم توجه به عناصر بصری
وجود فضاهایی برای رفع نیاز	عدم توجه به نیازهای شهروندان
تقویت حس تعلق در شهروندان	ناآشنایی با محیط اطراف

(مأخذ: باحقیقت و همکاران، ۱۳۹۴)

سرزندگی محیط ساخته شده

اندیشمندان و صاحب‌نظران سرزندگی را به گونه‌های مختلف بیان نموده‌اند و عوامل مؤثر بر ارتقاء حس سرزندگی را در تعاریف خود عنوان کرده‌اند. انجمن معماران ایالات متحده (AIA) در مجموعه‌ای که تحت عنوان «سرزندگی» در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده است، ضمن بیان اینکه نمی‌توان برای سرزندگی، یک تعریف واحد و مشخص ارائه داد و سرزندگی یک محل باید با توجه به ویژگی‌های آن مکان و ساکنانش تعریف و تدقیق شود، مفهوم عام سرزندگی یک مکان را به داشتن هویت، پویایی، انعطاف‌پذیری و قابلیت تطابق با نیازهای جدید مربوط دانسته است. دادپور نیز تعریف عام سرزندگی را، «قابلیت مکان برای تأمین تنوعی از فعالیت‌ها و استفاده‌کنندگان (با پیش زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با هدف تنوع تجربیات و تعاملات اجتماعی به گونه‌ای که امنیت، برابری و راحتی را برای همه‌ی استفاده‌کنندگان فراهم آورد»، بیان نموده است (دادپور، ۱۳۹۰، ص. ۴۸). در مجموعه مقالاتی که توسط گروه کارمونا با عنوان «مکان‌های زندگی: توجه به کیفیت» در سال ۲۰۰۴ منتشر شده است، به مکانی که در ارتباط با فعالیت‌های غالبش به خوبی استفاده می‌شود و به کاربری‌های مکمل اجازه رشد و گسترش می‌دهد، سرزنده گفته می‌شود. در این‌جا سرزندگی به میزان سازگاری یک محل با فعالیت‌های غالبش می‌باشد. «یان گل» که در مطالعات خود بیشتر به بحث مسائل اجتماعی پرداخته است، فضایی را از این نظر سرزنده می‌داند که مردم به جای عبور، از آن برای درنگ کردن و ملاقات انتخاب می‌کنند. از دیدگاه گل در

¹Palej
²Hahlweg
³Lynch
⁴Lenard
⁵Lopez & Camahno
⁶Jan Gehl

برنامه‌ریزی فضاهای عمومی باید توجه داشت که دو گروه بازدیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از فضا، مهمترین گروه‌های مخاطب هستند. از دیگر معیارهای سرزندگی از نظر گل، جبهه‌های فعال جلویی ساختمان‌ها و ارتباط مناسب بین فعالیت‌های داخل و خارج ساختمان‌ها و رعایت مقیاس انسانی فضاها و همچنین توجه به کیفیت طراحی است (گل، ۲۰۰۶، ص. ۳۴). کوین لینچ (۱۹۹۸) سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که شامل بقاء، ایمنی، سازگاری، سلامتی و ثبات بیولوژیکی است. او همچون «ال بر» عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مد نظر قرار داده و عواملی نظیر مسائل اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته است (خستو و رضوانی، ۱۳۸۹). وی سرزندگی را به مفهوم امکان بقاء زیست‌شناختی و جامعه‌شناسی انسان در محیط شهر تعریف نموده و آن را به عنوان یک معیار کلیدی در حصول کیفیت مناسب شهری و به تبع ارتقاء کیفیت زندگی برمی‌شمرد، همچنین سرزندگی را درجه مطلوبیت و حمایت سکونتگاه از عملکردهای حیاتی، لوازم زیستی، ظرفیت و گنجایش زندگی انسانی تعریف کرده و پنج مؤلفه ثبات، هم‌آویی، ایمنی، سود، حمایت و نگهداری را به عنوان ارکان سرزندگی ذکر می‌کند (لینچ، ۱۹۹۸، ص. ۱۲۰). هانری لرنارد نیز در کتاب «سرزنده‌سازی شهرها» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، سرزندگی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«سرزندگی امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آن‌ها، امکان گردهم آمدن غیر رسمی مردم در عرصه‌های عمومی، فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و نوجوانان در عرصه‌های عمومی، تایید و ارزش قائل شدن همه شهروندان برای یکدیگر و احترام به معرفت و آگاهی‌های ساکنان است» (دادپور، ۱۳۸۹، ص. ۲). لنگ (۱۹۸۷) به نقل از سوزان و هانری لرنارد در کتاب «آفرینش نظریه معماری» بیان می‌دارد که «مکان‌های سرزنده و اجتماع مردمی، آن‌هایی هستند که فضای راحت‌نشستن، نور خوب و ملاقات با افراد دیگر را امکان‌پذیر سازند و مکان‌هایی برای فعالیت در آن‌ها وجود داشته باشد» (لنگ، ۱۳۸۳). بنابراین این‌جا سرزندگی، میزان سازگاری (Congruence) بین محیط و فعالیت‌هایی نظیر ملاقات با دیگران، تماشای مردم و خوردن تعریف شده است. آنچه که بیش از هر معیاری یک از شهر را از سایر شهرها و یک فضا را از سایر فضاها متمایز می‌کند، میزان سرزندگی و حضور افراد در فضاهای عمومی است. عواملی چون فضای سبز، ایمنی، دسترسی، کاربری‌های موجود و به کارگیری مؤلفه‌هایی که باعث ایجاد تصویر ذهنی در بین افراد شوند باعث بالا بردن سرزندگی در فضا نیز خواهند شد. (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، ص. ۳۶-۳۳). سرزندگی به عنوان مؤلفه‌های ذهنی کیفیت محیط، مشتمل بر نشاط و سرزندگی ساکنان، سرزندگی فعالیت‌ها و مغازه‌ها و سرزندگی حرکت افراد پیاده است (رادجهانبانی و پرتوی، ۱۳۹۰، ص. ۳۱ و مسس، ۱۹۸۴، ص. ۲۱). جان مونت گومری سرزندگی را در کنار تنوع از اجزای اصلی سازنده فعالیت در یک فضا بر شمرده و سرزندگی را به تعدد افراد در طی تمام طول روز و شب، استفاده از خدمات، تعدد رخدادهای فرهنگی و مراسم طی سال، حضور فعالیت‌های زندگی در خیابان و به طور کلی احساس زنده بودن مکان وابسته می‌داند (مونت گومری، ۱۹۹۸، ص. ۹۷). پامیر (۲۰۰۷) در کتاب «خلق یک مرکز شهری پر جنب و جوش»، عوامل مؤثر بر یک مکان عمومی موفق و پر جنب و جوش را این چنین معرفی می‌نماید:

«موقعیت مکان: جایگاه یک فضای عمومی موفق بایستی به گونه‌ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به علاوه در نزدیکی مراکز خرده‌فروشی باشد به گونه‌ای که جاذب و تولیدکننده فعالیت پیاده گردد. اندازه مکان: اندازه یک فضای عمومی موفق باید به گونه‌ای باشد که گنجایش تفریحات جمعی و رویدادها را داشته باشد ولی نه آن قدر بزرگ که محصوریت فضا از بین رود. برنامه‌ریزی مکان: ایجاد یک فضای زنده و دوست‌دار مردم هنگامی امکان‌پذیر است که اطراف آن مکان به وسیله مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها و کافه‌ها احاطه شده باشد. طرح مکان: طراحی یک مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیت‌ها افزایش دهد. در این رابطه به مواردی نظیر نشیمنگاه مناسب، کاربری منعطف، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می‌کند» (پامیر، ۲۰۰۷، ص. ۶۹-۷۳).

وجود فضاهای عمومی نیز با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌تواند سرزندگی را تأمین کند (چپ من، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۸). لینچ (۱۳۷۶، ص. ۱۵۵)، و عزیز، (۱۳۸۵، ص. ۳۸)؛ اما علی مدنی‌پور بیان می‌کند «ایجاد فضاهای عمومی به تنهایی نمی‌تواند یک اجتماع منسجم محلی سرزنده تشکیل دهد، بلکه در این میان آنچه مهم است توجه به ساکنان و تقویت روحیه جمع‌گرایی است که تأثیرگذار می‌باشد» (مدنی‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۲). نتایج حاصل از پژوهش کریمی و عبدالهی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که تنوع کاربری، نقاشی‌های دیواری، فضاهایی برای نشستن مانند نیمکت و سکو، استفاده از نمادهای معرف فرهنگ شهر و آب‌نما، ایجاد حفاظ طبیعی و سایبان به وسیله درختان، نورپردازی مناسب، و کاشت گیاهان متنوع سبب ارتقاء حس سرزندگی می‌گردد (کریمی و عبدالهی، ۱۳۹۶). آنچه مورد قبول روانشناسان معاصر می‌باشد، این است که عوامل محیطی در ایجاد سرزندگی محیط مؤثر هستند و محیط می‌تواند به وسیله فراهم نمودن ابزارهایی، سرزندگی را ارتقاء بخشد و به عنوان عاملی جهت ایجاد سرزندگی و انگیزه حضور فرد در فضا گردد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص. ۵۳). خستگی‌های ذهنی روزانه به علت مطالعه و اینترنت، پشت‌میز نشستن‌های مداوم موجب خستگی ذهن و کمبود تمرکز و حواس پرتی می‌گردد. استفاده از فضای باز، منظره و چشم‌انداز مطلوب در محیط ساخته شده، سبب سرزندگی و بهبود خستگی ذهنی می‌گردد (حسینی، عظمتی، الیاسی، و مظفر، ۲۰۱۵). انجمن معماران ایالت متحده نیز عوامل زیر را جهت ارتقاء سرزندگی چنین برمی‌شمرد: «رعایت اصول انسانی در طراحی‌ها؛ فراهم آوردن گزینه‌های گوناگون و متنوع در سکونت، خرید و تفریحات، تقویت کاربری‌های مختلف، تأمین گزینه‌های متنوع رفت و آمد، ایجاد مکان‌های عمومی قابل شناسایی و پذیرا، حفاظت از فضاهای سبز و باز و عناصر طبیعی، رعایت کیفیت بالای طراحی» (کارآگاه، ۱۳۸۹، ص. ۳۰ و ۳۱).

کیفیت زندگی انسان بستگی به انواع پیام‌هایی دارد که از محیط زندگی و اطراف خود دریافت می‌کند (پیرموره، ۱۳۷۳، ص. ۲۷۰). در واقع عوامل محیطی و کیفیت طراحی می‌تواند سرزندگی را تسهیل بخشد. برخی محیط‌ها در فرد سبب ایجاد انگیزه‌های دوچندان در فرد جهت حضور در فضا خواهد شد (فروتن، صنعتگر، و رضایی، ۱۳۹۲). با توجه به تعاریف بالا از مفهوم سرزندگی شهری و سرزندگی محیط ساخته شده، برای دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء سرزندگی دیدگاه نظریه‌پردازان حول این مفهوم در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: معیارهای سرزندگی از دیدگاه صاحب‌نظران با تقدم زمانی.

صاحب‌نظر	معیار سرزندگی
جین جیکوبز (۱۹۶۱)	تراکم حضور مردم- ایجاد برخوردها و تعامل میان افراد- تنوع کاربری و فعالیت
کوبن لینچ (۱۹۸۱)	زیست‌پذیری فضا- تأمین امکانات- بقا- عملکرد بیولوژیکی مطلوب
ای یو بنتلی (۱۹۸۵)	نفوذپذیری- تنوع- انعطاف‌پذیری- خوانایی- سازگاری بصری- رنگ تعلق- قابلیت شخصی سازی- کارایی مصرف انرژی- پاکیزگی- حفظ طبیعت
جان مونت گومری (۱۹۸۸)	تعدد افراد در طول روز و شب- ایجاد فعالیت‌های فرهنگی- زنده بودن فضا- تنوع کاربری- جداره فعال- بازارهای موقت
دیوید چپمن (۱۹۹۶)	تنوع فعالیت‌ها- دسترسی- آسایش- ایجاد فضاهای عمومی
گوردن کالن (۱۹۹۶)	منظره دل انگیز
سالزانو (۱۹۹۷)	زندگی اجتماعی- پایداری اکولوژیکی- هویت
سوزان و هنری لنارد (۱۹۹۷)	ایجاد فضاهای گردهمایی غیررسمی در فضاهای عمومی- تعاملات اجتماعی
چارلز لاندی (۲۰۰۰)	تراکم مفید افراد- تنوع- دسترسی- ایمنی- هویت و تمایز- خلاقیت- رقابت- ظرفیت سازمانی
متیو کارمونا (۲۰۰۴)	سازگاری فعالیت‌ها
مارتین آ (۲۰۰۵)	تنوع- فضاهای عمومی- فراغت
یان گل (۲۰۰۶)	رعایت کیفیت طراحی- جبهه‌های فعال- تعاملات اجتماعی- امکان و پتانسیل توقف- مقیاس و ریتم- اختلاط کاربری- بافت و جزئیات
سای پامیر (۲۰۰۷)	تنوع کاربری- دسترسی- آفرینش پیوندهای عملکردی- توازن فعالیت‌ها- موقعیت و اندازه مکان
جهانشاه پاکزاد (۱۳۸۶)	تنوع کالبدی، عملکردی و کاربری- عناصر طبیعی- حضور افراد- امنیت
کوروش گلکار (۱۳۸۶)	کاربری و فرم- همه شمول بودن- کیفیت عرصه همگانی- آسایش اقلیمی- ایمنی و امنیت- انعطاف‌پذیری- هم‌سازی با طبیعت- کارایی- پاکیزگی محیطی
علی مدنی پور (۱۳۸۷)	ایجاد فضاهای عمومی- تقویت روحیه جمع‌گرایی
سارا دادپور (۱۳۹۰)	تنوع فعالیت‌ها- تجربیات متنوع- تعاملات اجتماعی
بازوندی و شهبازی (۱۳۹۳)	فضای سبز- ایمنی- دسترسی- کاربری‌ها- ایجاد تصویر ذهنی

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

شناسایی معیارهای مؤثر بر ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی

جهت تبیین متغیرهای پژوهش پس از بررسی مفاهیم و عوامل مؤثر بر ارتقاء حس سرزندگی در یافته‌های پژوهش‌های پیشین، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از آن‌ها اتخاذ شده است. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مذکور با یکدیگر تطبیق داده شده و اشتراکات حاصل به عنوان متغیرهای این پژوهش انتخاب شده‌اند. بر این اساس مهم‌ترین عوامل کالبدی که در این مورد، در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند، به این شرح هستند: متغیر وابسته پژوهش، ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی بوده و متغیر میانجی نیز در این بررسی، «کیفیت محیطی» می‌باشد. متغیرهای تأثیرگذار بر حس سرزندگی در چند دسته کلی تبیین شده و مؤلفه‌ها و فرضیه‌ها در قالب پرسشنامه مورد سنجش شهروندان قرار گرفت. در جدول ۳ متغیرها و شاخص‌های مربوطه بیان شده است.

جدول ۳: تبیین متغیرهای مستقل و وابسته.

نوع متغیر	متغیر	شاخص‌ها
متغیر مستقل	اجتماع‌پذیری فضا	زمینه‌سازی برای تراکم حضور مردم- ایجاد برخوردها و تعامل میان افراد- زمینه‌سازی کالبدی برای تعاملات اجتماعی- گسترش فضاهای عمومی- ایجاد فضاهای گردهمایی غیررسمی در فضاهای عمومی- امکان و پتانسیل توقف زمینه- ایجاد تعدد حضور.
	تعامل بنا با طبیعت	حفظ طبیعت- خلق چشم‌انداز دل‌پذیر- به کارگیری عناصر طبیعی استفاده از فضای باز با توجه به اقلیم- استفاده از سایبان و خلق فضاهای نیمه‌باز- بهره‌گیری از جلوه‌های آب و گیاهان- برخورداری از فضای سبز- هم‌سازی ساختمان با اقلیم- کارایی مصرف انرژی- توجه به حفظ محیط زیست.
	سازماندهی فضایی	تنوع کاربری و فعالیت- تجربیات متنوع- توازن فعالیت‌ها- ایجاد محیطی دوستانه- تأمین امکانات- نفوذپذیری- دسترسی- انعطاف‌پذیری- خوانایی- سازگاری بصری- ایجاد فضاهای دنج- سلسله مراتب فضایی- درجه بندی حریم‌ها- ایجاد فعالیت‌های فرهنگی- ایجاد فضای فراغت- جداره فعال- بازارهای موقت- آسایش عملکردی- رعایت کیفیت طراحی- همه شمول بودن- موقعیت و اندازه مکان- رعایت عوامل زیبایی‌شناسی- کاربری و فرم- پلان‌های آزاد و پویا- ایمنی- هویت و تمایز- خلاقیت- مقیاس و ریتم- بافت و جزئیات- الگوبرداری از جذابیت‌های طبیعی منطقه- برداشت و به کارگیری الگوهای فرهنگی منطقه- استفاده از نور طبیعی و روشنایی مناسب.

^۱ Bentley

^۲ Gordon Cullen

^۳ Martin

متغیر وابسته	حس سرزندگی
--------------	------------

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

- به نظر می‌رسد اجتماع‌پذیری فضا که فرصت گفت و شنود بهره برداران را ایجاد کرده و زمینه ساز تأمل و توقف بیشتر در فضا و ترغیب حضور مردم گردد، به بهبود حس سرزندگی می‌انجامد.
- به نظر می‌رسد ایجاد تعامل میان بنا و طبیعت، استفاده از پتانسیل‌های فضاهای نیمه باز و فضای سبز در تلفیق با طراحی بنا بر سطح رضایتمندی و در نتیجه بر افزایش حس سرزندگی تاثیر می‌گذارد.
- به نظر می‌رسد سازماندهی فضایی مطلوب سبب بهبود کیفیت طراحی محیط شده و در نتیجه باعث افزایش حس سرزندگی می‌گردد.

روش تحقیق

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و کمی قرار دارد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بر پایه پیمایش است. توصیفی به این دلیل که به توصیف و شناخت مفاهیم سرزندگی در فضاهای شهری و محیط‌های ساخته شده و عوامل ارتقاء و ایجاد آن پرداخته است. تحلیلی از آن رو که نیازمند بررسی رابطه عوامل مختلف با سرزندگی و چگونگی آن بوده است. متغیر وابسته پژوهش ارتقاء حس سرزندگی و متغیرهای مستقل پژوهش شامل اجتماع‌پذیری فضا، تعامل بنا با طبیعت و سازماندهی فضایی می‌باشد. انتخاب این متغیرها و سنجش آن‌ها براساس مطالعات انجام شده و نظر متخصصین در این زمینه صورت گرفته است.

الف) جامعه مورد مطالعه و بهره برداران

جامعه آماری این مطالعه مشتمل بر شهروندان شهر رشت است که مخاطبین فضاهای فرهنگی شهری می‌باشند. جمعیت شهر رشت بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۹۵۶۹۷۱ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). از این جمعیت بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شد که پرسشنامه به صورت تصادفی در میان تمامی اقشار جامعه آماری مورد نظر (شهروندان شهر رشت) توزیع گردید.

ب) جمع آوری و تحلیل اطلاعات

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای و میدانی است. در این راستا پس از حصول نمودار مفهومی حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای در فاز کیفی حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای، شاخص‌های عملیاتی متغیر تحقیق پس از کدگذاری و تلفیق در قالب گویه‌های پرسشنامه تنظیم شد. با توجه به نبود پرسشنامه استاندارد برای سنجش در زمینه تحقیق، پرسشنامه محقق ساخت به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرسشنامه به نحوی تنظیم شده که در جهت سنجش متغیرهای ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی و پاسخ به سؤالات و فرضیه‌های پژوهش باشد که حاوی ۱۸ سوال در رابطه با موضوع تحقیق است. پرسشنامه در قالب سوالات بسته طرح گردیده است. در بخش اول سؤالاتی پیرامون مشخصات فردی افراد شامل جنسیت، تحصیلات، سن و وضعیت تأهل آورده شده و در بخش دوم پرسش‌های مرتبط با آزمون فرضیه تنظیم شده است.

پاسخ تعدادی از سوالات به صورت طیف لیکرت و بعضی دیگر به صورت چند گزینه‌ای مطرح شده است. روش بکارگرفته شده در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه به صورت صوری-محتوایی است که برای تعیین اعتبار سوالات پرسشنامه در اختیار سه نفر از اساتید مجرب و متخصص در حوزه معماری قرار گرفت تا درباره کفایت و صحت سؤالات برای دستیابی به هدف پژوهش اظهار نظر کنند. در ابتدا، براساس روش استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه تعیین گردید. میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۰۸ می‌باشد و این عدد گویای این است که پرسشنامه طرح شده ابزار خوبی جهت سنجش بوده است. پس از جمع آوری اطلاعات، داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس‌اس» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از آزمون t تک متغیره برای بررسی فرضیه‌ها استفاده گردید، سپس اصول طراحی مؤثر بر ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی استخراج گردید.

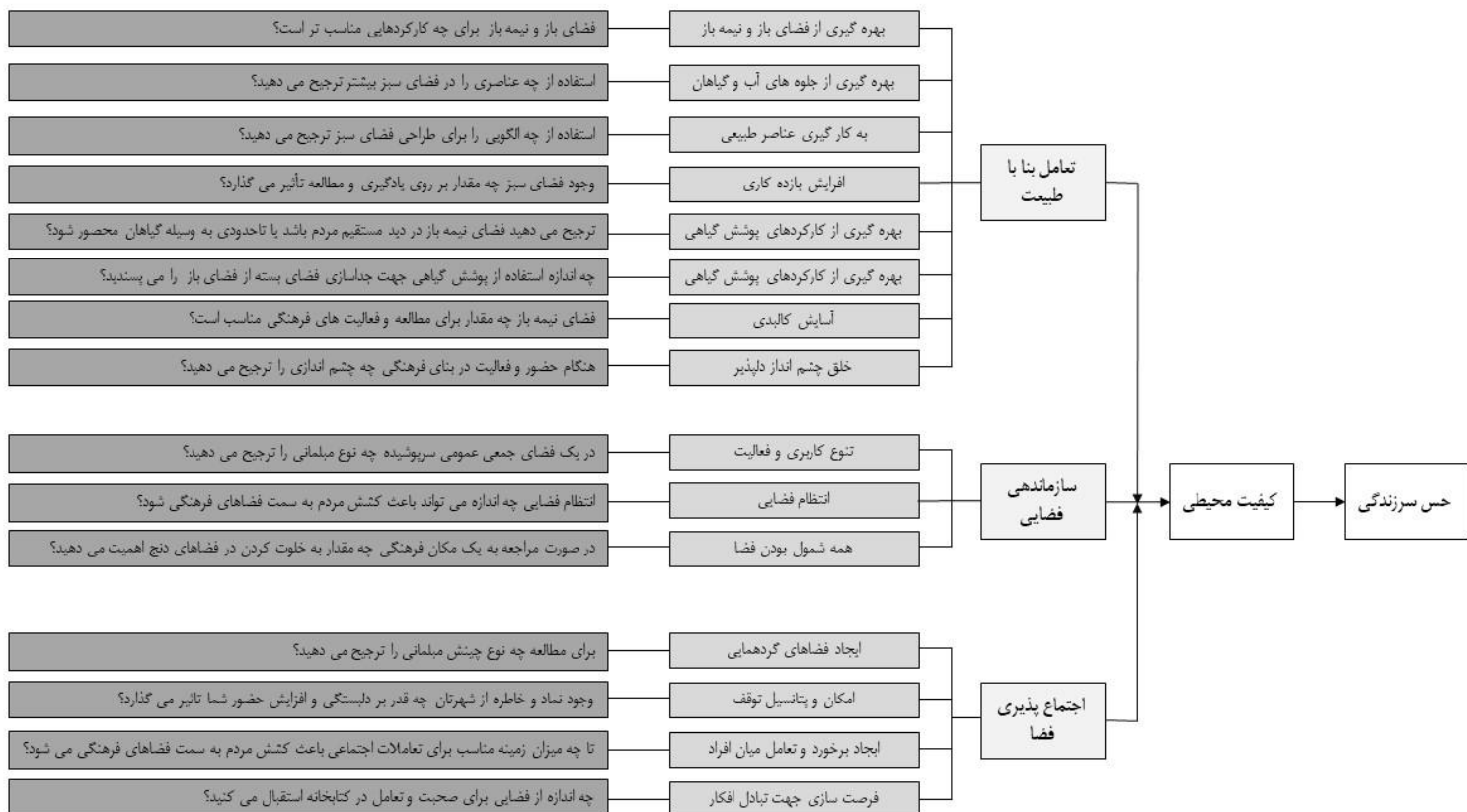
جدول ۴: نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرسشنامه.

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تعامل بنا با طبیعت	۸	۰/۶۴۵
سازماندهی فضایی	۵	۰/۷۴۰
اجتماع‌پذیری فضا	۵	۰/۶۱۵
کل پرسشنامه	۱۸	۰/۸۰۸

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

^۱ فرمول کوکران برای به دست آوردن جامعه آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش، (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

یافته‌ها

الف) نتایج توصیفی

بررسی وضعیت پاسخگویان به لحاظ جنسیتی نشان می‌دهد که ۴۵/۸ درصد را مردان و ۵۴/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ سنی ۴۴/۳ درصد پاسخگویان سنین ۲۰ تا ۴۰ سال بودند. بررسی میزان تحصیلات شهروندان نشان می‌دهد که بیشتر تعداد پاسخگویان یعنی ۷۳/۲ درصد دارای تحصیلات عالی هستند. کارمندان با ۲۹/۸ درصد و دانشجویان با ۲۸/۳ درصد بیشترین مشاغل پاسخگو به سؤالات بودند.

جدول ۵: پارامترهای آماری مربوط به سؤالات پرسشنامه

سوال	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل درصد فراوانی	حداکثر درصد فراوانی
۱	۲/۱۸	۰/۱۶۴	۰/۴۱	۲/۳	۶۳
۲	۲/۸۱	۰/۱۷۸	۰/۶۲	۸	۵۹
۳	۲/۵۱	۱/۳۱	۱/۷۰	۶/۵	۳۹
۴	۳/۶۶	۱/۵۷	۲/۴۶	۷/۳	۵۱/۳
۵	۲/۰۶	۱/۱۱	۱/۲۳	۱۵	۴۲/۳
۶	۲/۴۷	۰/۱۷۳	۰/۵۴	۱۴/۵	۶۱
۷	۳/۹۲	۰/۱۵۸	۰/۳۴	۰/۳	۷۳/۵
۸	۱/۱۴	۰/۳۵	۰/۱۲	۱۴	۸۶
۹	۱/۹۲	۰/۱۹۷	۰/۹۵	۱/۵	۵۰
۱۰	۳/۸۶	۰/۱۶۵	۰/۴۳	۰/۵	۶۹/۳
۱۱	۲/۸۳	۰/۱۴۶	۰/۲۱	۳/۵	۸۶/۳
۱۲	۲/۷۱	۰/۱۵۸	۰/۳۳	۶/۳	۷۷/۳
۱۳	۳/۸۶	۰/۱۶۶	۰/۴۳	۰	۶۱/۸
۱۴	۳/۴۲	۰/۱۸۴	۰/۷۱	۲/۰	۴۲
۱۵	۱/۸۰	۰/۱۹۵	۰/۹۰	۶/۳	۵۱
۱۶	۳/۹۴	۰/۱۸۰	۰/۶۲	۵/۰	۵۴/۳

۵۳/۵	۰	۰/۵۰	۰/۷۱	۳/۶۸	۱۷
۴۷/۵	۱/۵	۰/۵۳	۰/۷۳	۳/۴۰	۱۸

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

ب) آزمون فرضیات

با استفاده از آزمون تی تک متغیره به بررسی فرضیات پژوهش پرداختیم. طبق جدول ۶، نتایج آزمون برای فرضیه اول نشان می‌دهد که میانگین داده‌ها ۲۳/۳۹ و انحراف معیار ۲/۸۳ و آماره t مقدار ۹/۷۹۲ را نشان می‌دهند. سطح معنی داری برابر است با ۰/۰۰۰ (کوچکتر از ۰/۰۵) بنابراین فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد یعنی به نظر می‌رسد اجتماع‌پذیری فضا که فرصت گفت و شنود بهره‌برداران را ایجاد کرده و زمینه ساز تأمل و توقف بیشتر در فضا و ترغیب حضور مردم گردد، به بهبود حس سرزندگی می‌انجامد.

جدول ۶: نتایج آزمون تی تک متغیره در رابطه با اجتماع‌پذیری فضا

تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی داری
۳۸۴	۲۳/۳۹	۲/۸۳	۱/۳۹	۳۸۳	۹/۷۹۲	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

با توجه به جدول ۷، میانگین داده‌ها ۲۴/۹۲ و انحراف معیار ۳/۰۱ و آماره t مقدار ۱۲/۷۴۵ را نشان می‌دهند. سطح معنی داری برابر است با ۰/۰۰۰ (کوچکتر از ۰/۰۵). بنابراین این فرض که ایجاد تعامل میان بنا و طبیعت، استفاده از پتانسیل‌های فضاهای نیمه باز و فضای سبز در تلفیق با طراحی بنا بر سطح رضایتمندی و در نتیجه بر افزایش حس سرزندگی تأثیر می‌گذارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۷: نتایج آزمون تی تک متغیره در رابطه با تعامل بنا با طبیعت

تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی داری
۳۸۴	۲۴/۹۲	۳/۰۱	۱/۹۲	۳۸۳	۱۲/۷۴۵	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

نتایج آزمون برای فرضیه سوم نشان می‌دهد که میانگین داده‌ها ۲۵/۶۴ و انحراف معیار ۳/۰۷ و آماره t مقدار ۲۳/۶۸۷ را نشان می‌دهند. سطح معنی داری برابر است با ۰/۰۰۰ (کوچکتر از ۰/۰۵) بنابراین این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد که سازماندهی فضایی مطلوب سبب بهبود کیفیت طراحی محیط شده و در نتیجه باعث افزایش حس سرزندگی می‌گردد.

جدول ۸: نتایج آزمون تی تک متغیره در رابطه با سازماندهی فضایی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی داری
۳۸۴	۲۵/۶۴	۳/۰۷	۳/۶۴	۳۸۳	۲۳/۶۸۷	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

در ادامه به منظور اولویت بندی سه متغیر مستقل از آزمون فریدمن استفاده گردید. نتایج آزمون در جداول زیر ارائه شده است. طبق جدول ۱۰ متغیر سازماندهی فضایی با میانگین ۲/۵۳، اجتماع‌پذیری فضا با میانگین ۲/۱۴ و تعامل بنا با طبیعت با میانگین ۱/۳۳ رتبه‌بندی شدند. از این بین با توجه به نظر شهروندان، سازماندهی فضایی با بیشترین نمره در جایگاه اول قرار گرفت. بدین ترتیب به نظر می‌رسد عواملی نظیر چیدمان فضایی مطلوب، همه شمول بودن فضاها و وجود تنوع کاربری و فعالیت برای کاربران از تأثیرگذاری و اهمیت بیشتری برخوردار است.

جدول ۹: نتایج آماری حاصل از آزمون

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
اجتماع‌پذیری فضا	۳۸۴	۳/۱۷	۰/۵۴	۱/۰۰	۴/۷۵
تعامل بنا با طبیعت	۳۸۴	۲/۷۳	۰/۳۴	۱/۷۵	۳/۵۰
سازماندهی فضایی	۳۸۴	۳/۳۳	۰/۵۳	۱/۶۷	۴/۳۳

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

جدول ۱۰: میانگین رتبه

متغیر	میانگین رتبه
اجتماع‌پذیری فضا	۲/۱۴
تعامل بنا با طبیعت	۱/۳۳
سازماندهی فضایی	۲/۵۳

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

مطابق جدول ۱۱، مقدار آمار کی دو دارای درجه آزادی ۲ و همچنین سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ (کمتر از ۰/۰۵) است که نشان‌دهنده وجود اختلاف در میانگین متغیرها می‌باشد.

جدول ۱۱: نتایج حاصل از آزمون فریدمن

تعداد	۳۸۴
آزمون کی دو	۳۱۵/۱۴۱
درجه آزادی	۲
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

ارائه اصول و راهکارهای طراحی

براساس یافته‌های پژوهش انجام شده به نظر می‌رسد علاوه بر محصول مطالعات پیشین صاحب‌نظران در حوزه سرزندگی، رعایت موارد زیر نیز سبب ارتقاء حس سرزندگی به‌ویژه در بناهای فرهنگی خواهد شد. رعایت کیفیت طراحی عوامل محیطی و عوامل کالبدی مؤثر در این زمینه موجب افزایش سرزندگی شهروندان در مراجعه و استفاده از بناهای فرهنگی می‌شود که عامل مهمی در توسعه فرهنگ در جامعه و وقوع انواع فعالیت‌های فردی و گروهی از گروه‌های سنی مختلف می‌باشد. سازماندهی فضایی، اجتماع‌پذیری فضا و تعامل بنا با طبیعت به ترتیب بیشترین تأثیر را در ارتقاء سرزندگی شهروندان دارند. بر این اساس، در ادامه با تحلیل یافته‌های تحقیق برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای، نظرات صاحب‌نظران و یافته‌های حاصل از پرسشنامه، راهکارهایی جهت اعمال این عوامل در طراحی بناهای فرهنگی بیان شده است.

(الف) با توجه به اینکه اجتماع‌پذیری فضا که فرصت گفت و شنود بهره‌برداران را ایجاد کرده و زمینه ساز تأمل و توقف بیشتر در فضا و ترغیب حضور مردم می‌گردد، به بهبود حس سرزندگی می‌انجامد؛ استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- زمینه سازی برای ایجاد تعاملات و هم‌صحبتی در فضاهای مطالعه و آموزش،
- ایجاد فضاهای متنوع و باکیفیت جهت معاشرت و تجمع،
- ایجاد زمینه مناسب برای برگزاری جلسات نقد هنری و کتابخوانی،
- پویایی فضا جهت افزایش برخوردها و تعامل میان افراد،
- در نظر گرفتن فضاهای جمعی همچون کافه، بازارها و نمایشگاه‌ها، کلاس‌های آموزشی و کتابخانه‌ها با فضاهایی جهت گردهمایی و تعامل،
- برگزاری فعالیت‌های فرهنگی، بازارها و نمایشگاه‌های موقت و دائم در طول سال،
- رعایت کیفیت طراحی داخلی و فرصت سازی جهت تبادل افکار.

(ب) با توجه به اینکه ایجاد تعامل میان بنا و طبیعت، استفاده از پتانسیل‌های فضاهای نیمه باز و فضای سبز در تلفیق با طراحی بنا بر سطح رضایتمندی و در نتیجه بر افزایش حس سرزندگی تأثیر می‌گذارد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- استفاده از فضای سبز جهت معاشرت، مطالعه و آموزش،
- ایجاد تنوع در مبلمان و فضا سازی و فضا سازی با تلفیقی از الگوهای آزاد و هندسی،
- استفاده از فضای نیمه باز جهت امور فرهنگی، گردهمایی و استفاده از فضای آزاد در حین یادگیری، معاشرت و گذران اوقات،
- دسترسی به تراس و استفاده گیاهان در فضاهای مختلف با امکان نشستن در فضاهای نیمه باز و بهره بردن از هوای آزاد در حین کار و مطالعه،
- ایجاد اختلاف سطح و استفاده از درختان و گیاهان جهت تقسیم فضاهای بزرگ به فضاهای کوچکتر با کارایی مختلف،
- بهره گیری از گیاهان در جداسازی فضای نیمه باز از فضای باز،
- ایجاد چشم‌انداز مطلوب و منظره دل‌انگیز و بهره‌گیری از جلوه‌های آب و گیاهان در مجموعه،
- همسازي با اقلیم در طراحی بنا جهت کاهش مصرف انرژی،
- آسایش کالبدی با ایجاد کوران و قرارگیری مناسب بازشوها،
- استفاده از سایبان‌های مصنوعی و طبیعی جهت جلوگیری از باد، باران و نور نامطلوب.

(ج) به نظر می‌رسد سازماندهی فضایی مطلوب سبب بهبود کیفیت طراحی محیط شده و در نتیجه باعث افزایش حس سرزندگی می‌گردد:

- استفاده از مفاهیم فرهنگی جهت ایجاد رابطه سازنده میان بنا و جامعه،
- نگاه بین نسلی برای ایجاد پایداری در سطح عمومی و فضاهایی با کاربری جمعی،
- وجود نمادها و نشانه‌هایی از شهر و فرهنگ منطقه جهت تصویر ذهنی مطلوب،
- استفاده از فرم‌ها و نمادهای قابل درک و آشنا برای شهروندان،
- توجه همزمان به ابعاد مختلف عملکردی و اجتماعی برای رسیدن به معیارهای مطلوب،
- ایجاد تنوع کاربری و فعالیت‌ها جهت تأمین امکانات مراجعه کنندگان به مجموعه،
- وجود فضاهای اصلی در کنار فضاهای رفاهی همچون کافه،
- وجود فضاهای دنج و خصوصی در جوار فضاهای جمعی،
- رعایت عوامل زیبایی‌شناسی و ایجاد وحدت در طراحی بیرونی و داخلی.
- طراحی ورودی شاخص و دسترسی آسان به بخش‌های مختلف،
- ورودی فراخ و دل‌باز، استفاده از گیاهان در طرفین ورودی، استفاده از مصالح گرم‌بخش همچون چوب در امتداد ورودی،
- طراحی راهروها با با ایده حرکت و مکث با ایجاد محورهای دید جذاب،

- استفاده متعادل از مصالح گرم و سطوح شفاف و مصالح ساده و آشنا برای مردم در کنار سیستم تأسیساتی نوین،
- شفافیت جداره‌های کتابفروشی و کتابخانه جهت ایجاد انگیزه برای ادامه مسیر،
- در نظر گرفتن نورگیرهای وسیع جهت بهره‌مندی از نور طبیعی و مطبوع،
- وجود جداره‌های فعال و ایجاد فضاهای فراغتی و محیطی دوستانه و غیر رسمی برای استفاده گروه‌های سنی مختلف،
- نورپردازی جذاب در شب و بهره‌گیری از گیاهان، المان‌ها، آب نما و عناصر مشابه در جوار فضاهای جمعی جهت ایجاد تنوع فضایی،
- اختصاص کاربری به فضاهای باز و نیمه باز،
- وجود فضاهای استراحت و لمکده‌ها در فضاهای مختلف علی‌الخصوص در کتابخانه و هنگام مطالعه،
- وجود مبلمان متنوع به صورت جمعی و فردی در لابی و کتابخانه جهت برآورده کردن نیازهای متنوع مراجعه کنندگان،
- فراهم آوردن شرایط کتابخوانی همچون طراحی کتابخانه غیر رسمی، کتابخانه مخصوص کودکان، امکان برگزاری جلسات معرفی و نقد کتاب، برگزاری نمایشگاه کتاب،
- امکان انتخاب فضای شخصی و منحصر به فرد برای هر کاربر جهت مطالعه یا هم‌صحبتی، ایجاد فضاهای کوچک برای ایجاد حس راحتی مراجعه کنندگان.
- بی‌تردید ایجاد فضای سرزنده تنها از طریق عوامل کالبدی محیط امکان‌پذیر نیست، بلکه این عوامل سبب شکل‌گیری صحیح بخشی از این فرآیند خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش عوامل مؤثر بر ارتقاء حس سرزندگی در بناهای فرهنگی بررسی شده و معیارها و شاخص‌های سرزندگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. این عوامل در رابطه با بنای فرهنگی در ۳ دسته‌ی تعامل بنا با طبیعت، اجتماع‌پذیری فضا و سازماندهی فضایی جای گرفتند. در رابطه با این عوامل و نحوه تأثیر آن بحث و بررسی گردید، سپس پرسشنامه طرح شده بر اساس متغیرهای ذکر شده در جامعه نمونه مورد نظر توزیع گردید. همان‌طور که در بخش تحلیل به آن اشاره شد، نتایج حاکی از آن است که فرضیه‌های عنوان شده با سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ مورد تأیید قرار گرفت. به این ترتیب ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر و سازماندهی شده همراه با رعایت کیفیت طراحی محیط موجب افزایش حس سرزندگی می‌گردد. همچنین به کارگیری و تلفیق فضاهای سبز و نیمه‌باز در طراحی بنای فرهنگی جهت ایجاد تعامل میان بنا و طبیعت در ارتقاء سرزندگی مؤثر واقع می‌شود. جهت رتبه‌بندی و بررسی تأثیرگذاری شاخص‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد، که نتایج این آزمون برای جوامع تحقیق حاکی از بیشترین نمره برای شاخص سازماندهی فضایی می‌باشد و متغیرهای اجتماع‌پذیری فضا و تعامل بنا با طبیعت در رتبه‌های بعدی آزمون الویت بندی قرار گرفت. با به کارگیری اصول و نتایج کسب شده در طراحی و پژوهش‌های آینده به تدریج حس سرزندگی افراد نسبت به محیط زیاد شده و در نتیجه تداوم و سرزندگی بناهای فرهنگی تضمین می‌شود.

جهت ادامه تحقیقات در حوزه ارتقاء حس سرزندگی و نقش و نحوه تأثیرگذاری آن در بناهای فرهنگی بر این احساس و با کیفیت‌تر شدن پژوهش‌هایی از این دست، می‌توان ملاحظات و پیشنهادات زیر را مد نظر قرار داد:

- با ساخت بناهای فرهنگی بر اساس اصول و راهکارهای ارائه شده در این پژوهش، می‌توان به ارزیابی پس از بهره‌برداری و بررسی تأثیر متغیرهای مورد نظر بر شهروندان و کاربران بناهای مذکور از طریق روش‌های تجربی و پیمایشی نیز پرداخت.
- با توجه به گستردگی مفهوم سرزندگی و عوامل مؤثر بر آن، در پژوهش‌های آتی می‌توان از طریق بررسی سایر شاخص‌ها، متغیرهای متعدد دیگری را در راستای دستیابی به حس سرزندگی در فضاهای فرهنگی مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.
- از میان ابعادی که برای سرزندگی محیطی تشریح شد، بحث گسترده‌ی فضای سبز و طبیعت‌گرایی از طریق تأثیر بر متغیر میانجی یعنی کیفیت محیطی می‌تواند محور پژوهش‌های متمرکز آتی قرار گیرد. بدین ترتیب در پژوهش‌های آینده می‌توان به بررسی عمیق‌تر در رابطه با نحوه تأثیر فضای سبز و طبیعت‌گرایی بر افزایش حضور مخاطب و سرزندگی وی در فضاهای فرهنگی پرداخت.

منابع

۱. امین زاده، بهناز؛ و داعی نژاد، فرامرز (۱۳۸۱). ملاحظات محیطی در طراحی و بهسازی خیابان‌های شهری. فصلنامه هنرهای زیبا. ۱۱(۱)، ۶۱-۵۰.
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=51653>
۲. باحقیقت، حمیدرضا؛ پیروزی، رضا؛ کریمی آذری، امیررضا؛ و نمازی، سپیده (۱۳۹۴). بررسی میزان تأثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت؛ نمونه موردی: محله ساغری سازان. فصلنامه مدیریت شهری. ۱۴(۴۰)، ۲۸۴-۲۶۹.
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=254706>
۳. بازوندی، فرشاد؛ و شهمازی، مهرداد (۱۳۹۳). نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره‌گیری از فضای شهری. دو فصلنامه پژوهش‌های منظر شهر. ۱(۱)، ۴۳-۳۳.
magiran.com/p1301921
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۵. تیمر، ونسا؛ و سیمور، نیکلا کیت (۱۳۸۹). پیش‌درآمدی بر ویژگی‌های شهر سرزنده (مترجم: لینا طاهری). دو فصلنامه جستارهای شهرسازی. ۹(۳۲)، ۳۹-۳۵.
magiran.com/p915892
۶. چپ من، دیوید (۱۳۸۶). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت (مترجم: منوچهر طبیبیان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رادجهانبانی، نفیسه؛ و پرتوی، پروین (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی کیفیت محیط در محله‌های شهری با رویکرد توسعه پایدار، مورد پژوهی محله‌های خیابان و ایلگلی تبریز. فصلنامه معماری و شهرسازی. ۳(۶)، ۴۹-۲۵.
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=168769>
۸. خسرو، مریم؛ و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری (خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده). فصلنامه هویت شهر. ۴(۶)، ۷۴-۶۳.
<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=112381>
۹. دادپور، سارا (۱۳۹۱). معیارهای سرزندگی شهری (مطالعه موردی: بخشی از خیابان ولی عصر تهران). دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، ۳۷(۳۸ و ۳۹)، ۳۴-۳۹.

۱۰. شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۰). تاملی بر ضرورت مبانی توسعه فرهنگی و اهمیت آن در جامعه ایران. فصلنامه مهندسی فرهنگی. ۶ (۵۹ و ۶۰)، ۷۰-۵۹.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۶۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۲. فرازمنند، راحله؛ و صبی زاده، مهشید (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرزندگی از دیدگاه تعاملات اجتماعی در ارزیابی عملکرد فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: محدوده‌ی پارکینگ شهرداری کرمانشاه). فصلنامه پژوهش‌های شهری هفت حصار. ۲ (۶)، ۴۲-۲۹.
<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=243768>
۱۳. فروتن، منوچهر؛ صنعتگر کاخکی، مریم؛ و رضایی، محمد کاظم (۱۳۹۲). روش ارزیابی سرزندگی محیطی در مجتمع‌های تجاری و مراکز خرید. فصلنامه پژوهش‌های شهری هفت حصار. ۲ (۶)، ۷۶-۶۵.
<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=243773>
۱۴. کریمیان، زهرا؛ و احمدوند، علی محمد (۱۳۹۱). جامعه‌اطلاعاتی هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۳ (۳)، ۷۶-۴۷.
<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=190771>
۱۵. کریمی دهکردی، فروغ؛ و عبداللهی، علی اصغر (۱۳۹۶). ایجاد پیاده‌راه برای ارتقاء نشاط و سرزندگی در فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان ملت شهرکرد، حد فاصل میدان ۱۲ محرم تا چهارراه بازار). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی. ۷ (۱)، ۹۹-۸۱.
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=310030>
۱۶. گل، یان (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی (مترجم: علی غفاری و صادق سهیلی پور). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. گلکار، کورش (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. دوفصلنامه صفا. ۱۶ (۴۴)، ۷۵-۶۶.
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=81523>
۱۸. لنارد، کروهرست سوزان؛ و لنارد، هنری (۱۳۷۷). طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی (مترجم: رسول مجتبی پور). فصلنامه معماری و شهرسازی. ۴۴ (۴۵ و ۴۴)
۱۹. لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری (مترجم: علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوص شهر (مترجم: فرشاد نوریان). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۱. مرتاض مهربانی، الناز؛ امیرمنصوری، سید امیر؛ و جوادی، شهره (۱۳۹۶). رویکرد منظر در ایجاد سرزندگی خیابان ولیعصر با تأکید بر ایجاد حس مکان (نمونه موردی: خیابان ولیعصر حد فاصل میدان ونک - چهارراه پارک وی). فصلنامه باغ نظر. ۱۴ (۵۵)، ۱۶-۵.
http://www.bagh-sj.com/article_54556.html
۲۲. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۵).
۲۳. موره، ژان پیر؛ آلن، ایوماری؛ و لیزساری، ماری (۱۳۷۳). فضاهای شهری: طراحی، اجرا، مدیریت (مترجمان حسین رضایی، میرمعزالدین مجابی و محسن رسولی). تهران: روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری.
۲۴. Appleyard, D. (1981) Livable streets, Berkeley, CA: university of california press.
۲۵. Bentley, I., et al. (1985). Responsive Environments: A Manual for Designers. London: The Architectural Press.
۲۶. Carmona, M. (2012). Public Places – Urban Spaces, (Gharaei & Partners, Trans.). Tehran: Tehran Art University Press, 1.
۲۷. Cown, R. (2005). The dictionary of Urbanism. Tisbury: Streetwise press.
۲۸. Cullen, G. (1961). Townscape. London: Architectural Press.
۲۹. Hahlweg, D. (1997). The city as a family.
۳۰. Hossini, B., Azemati, S., Elyasi, N., & Mozaffar, F. (2015) The Effect of the Vitality Level of University Campuses on Increasing Social Interactions and Makin, Environment-Behaviour Studies. ۲۳۳-۲۲۵. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۵.۰۱.۰۲۲
۳۱. Jacobs, J. (1961). The Death & Life of Great American Cities, London Cape.
۳۲. Landry, C. (2000). Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness. Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue, Urban Vitality / Urban Heroes.
۳۳. Lynch, K. (1998). Good City Form -Cambridge. Massachusetts and London: The MIT Press.
۳۴. Martin, B. (2005). Creation of neighborhoods and places in the human environment.
۳۵. Mass, P. (1984), Towards a theory of urban vitality, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of arts, The university of british Columbia in the faculty of granduate studies of community and regional planning.
۳۶. Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban Design. Urban Design, (1): 93-115.
۳۷. Nogueira Lopes, M., & Camanho, A. (2012) Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: AN Assessment of European Cities, Springer Science and Business Media B.V.
۳۸. Okulicz, A. (2012). City Life: Rankings (Livability) vs. Perceptions (Satisfaction). Social Indicator Research, 110(2): 433.
۳۹. Palej, A. (2000). Architecture for, by and with children: A way to teach livable city.
۴۰. Paumier. C. (2007) Creating a Vibrant City Center (ULI) Urban Land Institute.
۴۱. Salzano, T. (2007). Seven Aims for the Livable City from Making Cities Livable Goals.
۴۲. Sime, J.D. (1995). Creating Places or Design Spaces. In: L.N. Groat (Ed.): Giving Places Meaning, London: Academic Press, pp. 27-41.
۴۳. Timmer, V., & Seymour Nola, K. (2006). The Livable City. (Vancouver Working Group Discussion Paper). Vancouver, British Columbia: University of British Columbia.